

فلسطین؛ میان امت و حکامش

(ترجمه)

امت بزرگ اسلام چاره‌ای جز آزادی سرزمین مبارک نمی‌بیند؛ راه‌حلی که از نگاه تاریخی تثبیت شده است. زمانی که صلیبی‌ها سرزمین مبارک را اشغال نمودند، امت حرکت کرد و آن را از وجود صلیبی‌ها پاک ساخت و هیچ کسی حتی به فکر تجزیه‌ی سرزمین فلسطین و جداسازی آن از بدنه‌ی امت نبود. فلسطین جزء جدایی‌ناپذیر از وجود امت بود و به فکر و خیال کسی هم خطور نمی‌کرد که با تقسیم این سرزمین، یکجا با صلیبی‌ها چنین خیانت‌هایی به سر رسد. صلاح‌الدین در آن روزها بخاطری با پاپ ملاقات نکرد تا راه‌حلی به‌دست آید که سرزمین مبارک بین صلیبی‌ها و امت اسلامی تقسیم شود؛ بلکه در حطین و کلیساهای شان در سرزمین ما با آن‌ها ملاقات کرد و حاکمیت‌های صلیبی را از همه سرزمین‌های مسلمان ریشه کن نمود.

اصل و اساس به مسلمان اینست که در هنگام قضاوت در امور خویش از عقیده اسلامی شروع کند و ملاک و مقیاس اعمالش حلال و حرام باشد. آزادسازی سرزمین فلسطین از نظر اعتقادی یک تکلیف شرعی است؛ تکلیفی که در مورد چچن، ترکستان شرقی و دیگر سرزمین‌های اشغالی مسلمانان است. از منظر شریعت اسلام هیچ تفاوتی بین این سرزمین‌ها از ناحیه‌ی وجوب آزادسازی وجود ندارد. یهودیان با انگیزه‌ی ایدیولوژیک، سرزمین فلسطین را اشغال می‌کنند و کسانی که از آن‌ها حمایت می‌کنند، نیز به همین اساس حمایت کرده و به این موضوع افتخار می‌کنند؛ در حالی که متأسفانه برخی از فرزندان مسلمان شرم دارند که آشکارا بگویند قضیه فلسطین تنها یک قضیه اسلامی است و بس! و این که فلسطین و سایر سرزمین‌های اسلامی باید آزاد شود تا جزئی از دولت خلافت موعود باشند؛ نه این که به بخشی از رژیم‌های مزدور کنونی تبدیل شود.

این تنها با بازگشت اسلام به عنوان یک نظام و شیوه زندگی و با سرنگون کردن چوکی بر سر حاکمان سرزمین‌های اسلامی - که تنها دغدغه‌ی شان ماندن بر تخت و کرسی‌های کج سلطنت است - محقق خواهد شد؛ حاکمانی که در هر فرصتی خواستار راه‌حل دو دولت هستند. این نشانه‌ی روشن و واضح از خیانت به دین و امت و اهتمام به منافع امریکا و رژیم یهود است. وقت آن رسیده که امت اسلامی، حاکمیت، اراده و تصمیم سیاسی خود را بازیابد، این حاکمان خیانتکار را ریشه کن نماید و خلافت بر منهج نبوت را تأسیس نماید. آنگاه آزادی فلسطین فقط یک ساعت وقت می‌گیرد؛ زیرا امت ما بزرگ است، پهلوانی است که یک رژیم شکست خورده، ساخته‌گی و استعمارگر ترسو توان مقابله با آن را ندارد؛ اما در غل و زنجیر حاکمان خائن و دست‌نشانده گیر مانده است. وقت آن فرا رسیده که مردان امت و لشکریانش تاج و تخت این مزدوران را ویران کنند و این امت غول پیکر را از بند آن آزاد سازند.

امت اسلامی رژیم غاصب یهود را نپذیرفته، موجودیت آن را قبول نمی‌کند و اجلاس و کنفرانس‌های خیانت را نمی‌پذیرد. امت آن نتایجی آن را که به دست مزدوران نوشته شده به رسمیت نمی‌شناسد و تأییدش نمی‌کند؛ زیرا این افراد از وجود امت جدا شده‌اند، نه از امت نمایندگی می‌کنند و نه هم به فکر قضایای امت هستند؛ بلکه همه راه‌حل‌های آن‌ها بلای جان امت، بی‌توجهی به حقوق و مصالح امت و تأمین مصالح دشمنانش است. امت کاملاً از این امر آگاه بوده و این را می‌داند. اگر شمشیر ظلم به گردنش آویخته نمی‌بود، ریشه کن کردن این رژیم‌ها و حاکمان و ابرازشان و بالاتر از آن یعنی از بین بردن این رژیم مسخ شده نزدیک‌تر از یک چشم به هم زدن بود.

فلسطین مانند همه ممالک اسلامی است که مسلمانان با شمشیر خود آن را فتح و سرزمین آن را با خون خود آبیاری نمودند، تنها از باشندگان و مردم خود نه؛ بلکه متعلق به همه امت است. دفاع از فلسطین و تلاش برای آزادی آن نه تنها وظیفه‌ی مردم فلسطین، بل وظیفه‌ی تمام امت است. سهل‌انگاری در این مورد و یا واگذاری یک وجب از خاک آن در میزهای مذاکره جایز نیست. نه تابع راه‌حل‌ها و تصمیم‌های امریکاست و نه تابع قوانین و پیشنهادات اروپا؛ بلکه باید بر اساس احکام اسلام در مورد آن حکم شود. اسلام تنازل از هر قسمتی از سرزمین اسلامی را حرام قرار داده و آزادی کامل و ریشه‌کن نمودن یهودیان غاصب را واجب ساخته است. این همان چیزی است که این مزدوران نمی‌پذیرند و نخواهند پذیرفت.

فعالیت، کنفرانس‌ها و اجلاس‌های غرب در مورد قضیه فلسطین بر این بحث می‌کند که چگونه امت را متقاعد کنند سرزمین فلسطین یا بخشی از آن را به یهودیان واگذار نمایند و مردم را با عادی سازی روابط همراه با یهود و همزیستی با آن قناعت دهند. به این بهانه که این امر تبدیل به یک واقعیتی شده که تغییر آن ناممکن است و تنها کاری که باید بکنیم، اینست که با آن همانطور که هست، کنار بیایم و با وجودش زندگی کنیم! این چیزی است که امت به شکل عام نمی‌پذیرد و نخواهد پذیرفت. امت کاملاً آن را رد می‌کند؛ پس چگونه می‌تواند با آن زندگی کند؟! بلکه آن را خاری در گلو می‌داند که یا آن را استفراغ خواهد کرد و یا با خوردن آن می‌میرد. ولی امت اسلامی سزاوار مرگ نیست؛ بل یک امت زنده است که در راه دین خود چیزهای گرانبها و ارزشمندی را فدا می‌کند. امت هر قدر بیمار شود، نمی‌میرد؛ یک امت زنده می‌ماند که در آن خون تازه می‌شود و روز نجات و خلاصی را انتظار خواهد کشید؛ روزی که اسلام دوباره با خلافت راشده بر منهج نبوت بر آن سایه می‌اندازد.

یگانه راه‌حل واقعی برای قضیه‌ی فلسطین هرگز از دهان مزدوران و بیانیه‌های شان بیرون نخواهد آمد و نه هم نتیجه‌ی نشست‌های خائنانه‌ی شان برای امت خواهد بود؛ بلکه راه‌حل واقعی در تخریب تاج و تخت آن‌هاست؛ زیرا همین‌ها سپر دفاعی این رژیم هستند. غرب اولین خط دفاعی است که در برابر امت از یهود محافظت کرده و از ریشه‌کن نمودن آن جلوگیری می‌کند؛ بل گنبد آهنین رژیم یهود به حساب می‌آیند که از آن محافظت می‌کند. این رژیم مسخ، سایه‌ی این نظام‌هایی است که بر ما حکومت می‌کنند. هرگاه شیء ناپدید شود، سایه‌اش از بین خواهد رفت؛ پس با از بین رفتن این نظام‌های دست‌نشانده بی‌ارزش، رژیم یهود نیز به‌زودی از بین خواهد رفت؛ زیرا یک رژیم شکننده است که مایحتاج زندگی‌اش را مالک نیست. اگر این حاکمان دست‌نشانده نبودند، ملت در یک چشم به‌هم‌زدن آن را می‌خوردند و این روز به زودی فرا می‌رسد! ان شاء الله!

همانطور که الله سبحانه و تعالی وعده داده و رسول گرامی‌اش صلی الله علیه وسلم به آن بشارت داده است، آن زمانی است که امت اسلامی حاکمان زیانبار خود را برکنار خواهد نمود و خلافت راشده‌ی خود را بر منهج نبوت تأسیس می‌نماید. لشکریان برای آزادی تمام فلسطین و ریشه‌کن کردن این رژیم مسخ از ریشه و آزاد کردن اقصای ما و حتی همه سرزمین‌های اشغال شده‌ی مسلمانان دوباره حرکت خواهند کرد و وعده‌ی الله سبحانه و تعالی و بشارت رسول گرامی‌اش را محقق خواهند ساخت. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هَذَا الْأَمْرُ كَائِنٌ بَعْدِي بِالْمَدِينَةِ، ثُمَّ بِالشَّامِ، ثُمَّ بِالْجَزِيرَةِ، ثُمَّ بِالْعِرَاقِ، ثُمَّ بِالْمَدِينَةِ، ثُمَّ بِبَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَإِذَا كَانَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَتَمَّ عَقْرُ دَارِهَا، وَلَنْ يُخْرِجَهَا قَوْمٌ فَتَعُودَ إِلَيْهِمْ أَبَدًا»

ترجمه: این امر (خلافت) بعد از من در مدینه خواهد بود؛ سپس در شام، سپس در الجزیره، سپس در عراق، بعد از آن در مدینه و بعد از آن در بیت المقدس؛ هرگاه به بیت المقدس رسید، پس همان جایگاه واقعی آن است و هیچ گاه قومی آن را بیرون نمی‌کند؛ زیرا به شکل ابدی و همیشه‌گی به سوی آن‌ها باز می‌گردد.

برگرفته از شماره 471 جریده الرایه

نویسنده: استاد عبدالله القاضی-ولایه یمن

مترجم: احمد صادق امین